مطالعات تاریخ اسلام
سال پنجم/ شمارهٔ ۱۸/ پاییز ۱۳۹۲

نگاهی بر مفهوم تاریخی دفاع غیرعامل در عصر اسلامی

علیرضا کریمی[۱]
جواد علیپور سیلاب[۲]

چکیده: امنیت، همواره یکی از مهم‌ترین مسائلی است که انسان با آن روبرو بوده است و درطول تاریخ سعی و تلاش انسان برای رسیدن به آن با انواع وسایل دفاعی صورت می‌پذیرفت. دفاع، مجموعه اقداماتی است که به لحاظ (سیاسی، نظامی، اقتصادی و...) توسط یک کشور به منظور تضمین استقلال، حفظ تمامیت و امنیت ارضی و حراست از مردم خود در مقابل هر گونه تهاجم دشمن صورت می گیرد. این دفاع به دو صورت نظامی و غیرنظامی می‌باشد که امروزه، به ترتیب دفاع عامل و دفاع غیرعامل نامیده می‌شوند. دفاع غیرعامل، دفاع بدون به کارگیری مستقیم سلاح است، و بیشتر شامل اقداماتی پیش‌بینی شده برای مقابله با دشمن است که به نوعی هزینه‌های دشمن را بالا برده و قدرت دفاعی نیروهای خودی را نیز بالا می‌برد. در تاریخ ایران و اسلام در عصر اسلامی، در برخی از متون اخلاقی و تاریخی در رابطه با مبحث دفاع غیرعامل و اصول آن، و متناسب با زمان خود، جسته و گریخته مطالبی وجود دارد. دفاع غیرعامل دارای مؤلفه‌های متعددی است، مهم‌ترین آن‌ها که در دوره‌های گذشته مورد توجه بوده‌اند عبارتند از: مکان‌یابی، استحکامات، فریب، استتار، اختفاء و پوشش. از این میان مکان‌یابی، استحکامات و فریب، بیشتر مورد توجه بوده است. مکان‌یابی به ویژه در جای گیری صحیح احداث شهرها و نیز استقرار لشکرها در محل مناسب مورد توجه بود. استحکامات به ویژه در ساختار شهری و عناصر سه گانه کهن دژ، شارستان و ربض و عناصر دفاعی آن مانند بارو، برج و دروازه متبلور بود. فریب، جایگاه خاص خود را داشته و دارد، همواره تلاش می‌شده است، با حیله و فریب بر دشمن برتری یابند. بررسی موارد ذکر شده، موضوع مقالهٔ حاضر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: دفاع غیرعامل، مکان یابی، استحکامات، فریب

---

۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز alireza_karimi_46@yahoo.com
۲ دانشجوی دورهٔ دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام javadalipoor.s@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۳، تاریخ تأیید: ۹۱/۱۲/۵

A survey on historical concept of passive defense in Islamic era

Ali Reza karimi[1]
Javavd Alipoor Silab[2]

Abstract: Security is one of the most important issues that human beings have been involved with. So, they attempted to achieve this security by varieties of defensive instruments. Defense is the complex of actions that are done in order to guarantee independence, integrity protection, territorial and people preservation against enemy attacks. This defense has two genre- military and non military- But nowadays, these are called practicable defense and impracticable defense. Impracticable defense means that we don't need the armor directly but it needs some of predicted actions for confronting the enemy that increases not only enemy expenses but also defensive power of local forces. There are some historical and ethical texts about impracticable defense in Iran and Islamic history. Impracticable defense has many branches. The most important one that attracted a lot of people in past periods were placement, solidity, fraud, concealment. Among these mentioned cases, placement, solidity and fraud were more attractive. Placement was especially more attractive in making cities and placing armies in its suitable place. Solidity was important in making cities and trifurcation of elements Kohandedj, Sharestan, Rabz and defensive elements such as battlement, tower and gate. Fraud has also its own place and they tried to achieve dominance over the enemy by fraud and illusion. Discussing about the above mentioned cases are the topic of the following essay.

Keywords: passive defense, Position, Rampart, deceit

1 Associate Professor of History, Tabriz University alireza_karimi_46@yahoo.com
2 Ph.D Student of the Islamic Iran History Branch javadalipoor.s@gmail.com

مقدمه

در تاریخ بشریت، جنگ، پدیده‌ای پایدار و انسان عنصراصلی آن بوده و هست. این مصاف همواره به دو حالت دفاعی یا تهاجمی بوده است. دفاع، مجموعه اقداماتی است که به لحاظ (سیاسی، نظامی، اقتصادی و...) توسط یک کشور به منظور تضمین استقلال، حفظ تمامیت و امنیت ارضی و حراست از مردم خود در مقابل هرگونه تهاجم دشمن صورت می‌گیرد. این دفاع به دو صورت نظامی و غیرنظامی می‌باشد که به ترتیب پدافند[1] عامل و پدافند غیرعامل نامیده می‌شوند.

در بسیاری ازموارد به دلیل فقدان تعاریف مشخص و دقیق مفاهیم کلیدی، مطالعات مواجه با مشکلات محتوایی شده و همواره این امکان وجود دارد که هر واژه‌ای به شکل نامطلوبی، کلی و تعمیم‌پذیر شود و در نتیجه، قادر به ارائهٔ مفهومی روشن وکاربردی از محتوای خویش نباشد. از سوی دیگر، مرور ادبیات معماری–شهرسازی نشان می‌دهد که تمهیدات پدافند غیرعامل، پیوسته نخستین شرط شکل‌گیری و توسعه هرگونه سکونت‌گاه انسانی درطول تاریخ بوده است. دفاع غیرعامل، در دوره‌های مختلف زمانی، مفاهیم مختلفی داشته است، و در زمان حال نمی‌توانیم بادید و مفهوم امروزی به بررسی وضعیت دفاع غیرعامل در دوره‌های مختلف تاریخی بپردازیم، بنابراین آشنایی بامفهوم این نوع دفاع، در دورهٔ تاریخی موردنظر، امری مهم، در بررسی سیر تاریخی این پدیده می‌باشد. این مفهوم در دوره‌های گوناگون تاریخ، متفاوت می‌باشد، زیرا با تغییر سلاح‌های تهاجمی، اقدامات دفاعی نیز تغییر یافته است. برای نمونه باروهای شهری درتاریخ جهان اسلام، به ویژه ایران، نمونهٔ دفاع غیرعامل مهمی درساختار شهرها محسوب می‌شدند و تا دورهٔ قاجار(جنگ‌های ایران و روس) کارکرد مفید داشتند، اما با تغییر سلاح‌ها، به ویژه در دورهٔ جدید و به کارگیری سلاح‌های آتشین، دیگر باروهای شهر در امر دفاع مفید و موثر نبودند، سلاحی مانند توپ به آسانی می‌توانست بارو را منهدم سازد، بدین ترتیب بود نقش خندق و دروازه‌ها در امردفاع غیرعامل شهری که با تغییر زمان، کارکرد خود را در دفاع غیر عامل شهری از دست دادند.

---

۱ پدافند یا دفاع به یک معنی و مفهوم می‌باشند، ما در نوشته خود بیشتر از واژهٔ دفاع استفاده خواهیم نمود. سازمان بین-المللی پدافند غیرعامل درسال۱۹۳۱م/ به وسیله رئیس قسمت پزشکی ارتش فرانسه «ژرژ سنت پل»در پاریس انجمن لیوکس ژنو(Lieux de Geneve Association) پایه گذاری شد. سازمان بین‌المللی پدافند غیرعامل (ICDO) از آن سرچشمه گرفته است. مناطق ژنو به معنای مناطق بی‌طرف، یا شهرهای امن است که برخی دسته‌ها و جمعیت‌های غیر نظامی می‌توانند در زمان جنگ بدان پناه ببرند (احمد اسفندیاری و دیگران(۱۳۸۹)، *نقش محوری جمعیت هلال احمر درپدافندغیرعامل*، *تهران*: سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمرجمهوری اسلامی ایران، ص۲۸).

با کمک‌گیری از ابزاری به نام «فرهنگ» به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد انسان، جوامع توانسته‌اند اعضای خود را اداره و سازمان پیچیدهٔ اجتماعی آن را به وجود بیاورند. درمیان کاربردهای فراوان فرهنگ تکنولوژیک، اقتصادی، مذهبی، هنری و نظامی، کاربرد فرهنگ دفاعی، امری بسیار مهم بوده است. برای آگاهی از فرهنگ دفاعی، درحیطهٔ دفاع غیرعامل، مراجعه به منابع تاریخی و به ویژه کتاب‌هایی که درحیطه جنگ و جنگ‌آوری نوشته شده و نیز سایر کتاب‌های اخلاقی و تاریخی الزامی است تا بدین سؤال پاسخ داده شود که دفاع غیرعامل در دورهٔ گذشته چه مفهومی داشته است؟ و بیشتر در چه زمینه‌هایی اجرایی می‌شده است؟

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق توصیفی وتحلیلی با تأکید بر نظریهٔ پدافند(دفاع) غیرعامل خواهد بود. ابتدا به صورت خلاصه نظریهٔ دفاع غیرعامل(در مفهوم امروزین آن) و در ادامه، مفهوم تاریخی آن مورد بررسی قرار می گیرد. در رابطه با دفاع غیرعامل در عصر اسلامی تا آن جا که نگارندگان مقاله اطلاع دارند تا به حال، تحقیقی درخور و شایسته صورت نگرفته است. امید است این مقاله فتح بابی برای پژوهش بیشتر دراین حیطه باشد.

دفاع به عنوان یک امر فرهنگی

با رشد وگسترش روستاهای کوچکتر(گروه‌های محلی)و افزایش جمعیت، دهکده‌های جدید بوجود آمد. با رشد جمعیت و تبدیل مرغزارها به زمین‌های کشاورزی و احتمال درگیری میان کشاورزان و قبایل دامدار و به منظور مقابله با این خطر، دهکده‌های محصور ایجاد شد.[۱] با ادغام ساکنان روستاهای مختلف و همجوار با یکدیگر، جمعیت‌های بزرگتر و واحدهای سیاسی قابل دفاع‌تری بوجود آمد به نام شهر که نقطهٔ عطفی بود در تاریخ اجتماعی انسان.[۲]

انسان، درراه تأمین نیازهای مهم و حیاتی خود، مانند امنیت، نظم و ثبات[۳] به ویژه درشهرها، شروع به برنامه‌ریزی و انجام یک سری اقدامات دفاعی برای مقابله با مهاجمان داخلی و خارجی نمود. بدیهی است که در سلسله مراتب نیازهای انسانی، نیاز به ایمنی و امنیت جزء نیازهای اساسی است. انسان همواره با به‌کارگیری اقدامات دفاعی گوناگون، برای تأمین امنیت تلاش کرده است

---

۱ یوسف مجیدزاده(۱۳۶۸)، *آغازشهرنشینی در ایران*، تهران: مرکز نشردانشگاهی، صص۳۷-۳۸.

۲ همان، ص۹.

۳ جهانشاه پاکزاد(۱۳۸۵)، *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*، تهران: انتشارات شهیدی، صص۳۲-۳۳.

چرا که بدون آن، انسان از درک امکانات دیگر عاجز خواهد ماند.

این تلاش تاریخی برای بقاء و ماندگاری، امروز با عنوان «passive defense» یا دفاع غیرعامل شناخته می‌شود. بررسی‌های تاریخی اقوام و جوامع مختلف نشان می‌دهد که انسان برای ماندگاری و بقاء در برابر مخاطرات، حوادث و تهدیدهای گوناگون طبیعی وغیرطبیعی، «الگوها»و «قواعد» اندیشه‌ای عام و گسترده بکار گرفته است که نسل به نسل منتقل شده است و در ساده‌ترین جوامع بشری در قبایل و روستاها و در جوامع پیشرفتهٔ صنعتی و شهرنشین، نیز مشترک، کارآمد و حیاتی بوده است.[۱] بنابراین، شیوهٔ نجات انسان از یک موقعیت خطرناک به عنوان یک الگوی ماندگاری و بقاء به دیگران منتقل می‌شود.[۲]

شایان ذکر است که انسان به تنهایی توانایی مقابله با مشکلات و موانع را نداشته و ندارد. بلکه هریک از افراد بشر برای دفاع از خویش به یاری هم نوعان خویش نیازمند است.[۳] برخلاف حیوانات که عضو خاصی را برای دفاع از خود دارند، دست و اندیشهٔ انسان، یاری‌گر او در دفاع از خود می‌باشد:«زیرا دست در خدمت اندیشه، آمادهٔ صنعتگری است و صنعت برای آدمی ابزاری تولید می‌کند که جانشین اعضای دفاعی دیگر جانوران است...». قدرت انسان به تنهایی توانایی دفاع از خود دربرابر انواع مخاطرات را ندارد، چراکه ابزارهای دفاعی به تنهایی قابلیت کاربردی ندارند، ازاین رو انسان ناگزیر به همکاری با هم نوعان خویش می‌باشد.[۴] شایان ذکر است درگذشته، دفاع از مردم کشور در برابر بیگانگان بیشتر امری دولتی و دراختیار حکومت و سلطان بوده است.[۵]

پدافند یا دفاع غیرعامل: مفهوم امروزین

با توجه به تازگی موضوع در تحقیقات تاریخی، ارائهٔ تعریفی از دفاع عامل و غیرعامل، ضروری به نظر می‌رسد. از لحاظ لغت‌شناسی، واژهٔ «پدافند» از دوجزء«پد» و«آفند»تشکیل شده است. پاد

۱ محسن فردرو(۱۳۸۸)، *دفاع غیرعامل از دیدگاه انسان شناسی فرهنگی*، تهران: نشر رمز، صص۸-۹.

۲ همان، صص۱۰-۱۱.

۳ ملاحظه می‌شود که دفاع نه یک امر فردی بلکه امری اجتماعی است.

۴ عبدالرحمن‌بن‌خلدون(۱۳۶۶)، *مقدمهٔ ابن خلدون*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، ج۱، تهران: شرکت انتشارات علمی وفرهنگی، چ۶، صص۷۸-۷۹.

۵ محمدبن‌علی‌بن‌طباطبا(ابن‌طقطقی)(۱۳۶۷)، *تاریخ فخری*(درآداب مُلکداری و دولت های اسلامی)، ترجمهٔ محمد وحید گلپایگانی،تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ص۴۲.

پیشوندی است به معنای ضد و متضاد کـه هرگـاه قبـل از واژه‌ای قـرار گیـرد معنـای آن واژه را معکوس می‌نماید، واژه «آفند» به مفهوم «جنگ، جدال، پیکار و دشمنی» به کار می‌رود. «دهخدا» دفاع(پدافند) را به دو صورت تعریف نموده است:

الف. «دورکردن از کسی، دور کردن، دفع کردن از کسی،...دفع شر، از دستبرد دشـمن(انـسان و حیوان)حفظ کردن، بازداشتن، پس زدن».

ب. در توضیح دوم، وی با استناد به فرهنگ علوم نقلی چنین مـی‌آورد:«دراصـطلاح فقهـی، در مقابل جهاد است و آن در موقعی است که دشمنان بر مردم مسلمان هجوم آورند و حمله نماینـد، و آن بر همهٔ افراد واجب است. دفاع، از حقوق اولیهٔ هر فردی است جهت حفظ جـان و مـال و عرض و ناموس خود».[۱] واژهٔ پدافند از نظر لغوی همتراز با واژهٔ دفاع، مشتمل برکارهایی است که برای پیشگیری از حملهٔ دشمن یا پیروزی او در حمله انجام می گیـرد. در تعریـف ارائـه شـده از پدافند، این پدیده، مختص کاربردهای نظامی دانسته شده است: «الف. مجموعهٔ جنـگ افزارهـایی که برای دفع حملهٔ دشمن بکار می‌رود. ب. مجموعه کارها و روش‌هایی که برای دفع حملهٔ دشمن به‌کار می‌رود».[۲]

در مقابل اقداماتی که در آن به کارگیری سلاح وجود دارد، نوع دیگری از دفاع قرار دارد که درآن نیازی به کاربرد سلاح نیست، ایـن نـوع دفـاع درمنـابع لاتـین، «Passive Defense» تعبیـر می‌شود، وجه اشتراک شکل‌های مختلف آن «محافظت از غیرنظامیان» است.[۳] دردفاع عامـل، بـه کارگیری اقدامات تهاجمی با هدف ممانعت از پیشروی دشمن است، در حالی‌که دفـاع غیرعامـل عبارت از «به کار بردن روش‌هایی است که از آثار زیان‌های ناشی از اقدامات دشمن بکاهد یا آن را به حداقل برساند». به بیان ساده‌تر در دفاع غیرعامل، ازهیچ نوع جنگ افـزاری دربرابـر دشـمن استفاده نمی‌گردد.[۴] در حقیقت، وجه تمایز بین دفاع عامل و غیرعامل، عامل انسانی می‌باشد. به ایـن معنا که دفاع عامل، ابزاری است که نیاز به مدیریت مستقیم و کاربری انسانی دارد و مـشتمل بـر

---

۱ علی‌اکبردهخدا(۱۳۵۱)، *لغت نامهٔ دهخدا*، زیرنظر محمدمعین، جعفر شهیدی، ج۴، تهران:دانشگاه تهران: سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا، صص۴۷-۴۸.

۲ فرامرز داعـی‌نـژاد(۱۳۸۵)، *اصـول و رهنمـودهـای طراحـی و تجهیـز فـضای بـاز مجموعـه‌هـای مـسکونی بـه منظـور پدافندغیرعامل*، مشاوران بهناز امین‌زاده، سید بهشیدحسینی، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، صص۴-۵.

۳ داعی نژاد، همان، ص۵.

۴ داعی‌نژاد، همان‌جا؛ جعفر موحدی‌نیا(۱۳۸۹)، *اصول ومبانی پدافندغیرعامل*، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر، ص۳؛ اسفندیاری، همان، ص۱۳.

ابزارآلات جنگی، سازماندهی و آموزش و مدیریت نیروهاست که درشرایط عدم حضور انسان، آن ابزار به خودی خود فاقد اعتبار است، در حالی که دفاع غیرعامل، امکانات معماری در زمینهٔ مهندسی جنگ می‌باشد که بدون ابزار، توانمندی نیروی رزمی و دفاعی را افزایش می‌دهد. این تأسیسات دفاعی ممکن است طبیعی باشند (مانند موضع‌گیری پشت رودخانه یا هر پدیدهٔ طبیعی دیگر) و یا مصنوعی (انواع بناهای نظامی مانند برج، بارو، خندق و....) و یا این که تلفیقی ازهردو باشند. پس در دفاع غیرعامل، نیازی به حضور انسان نیست، هرکسی آن جا را متصرف شود راندمان دفاعی بیشتری در جنگ خواهدیافت.[1]

امروزه اصول دفاع غیرعامل، به منزلهٔ مجموعه اقدامات بنیادی- زیربنایی است که با به کارگیری آن می‌توان به اهداف دفاع غیرعامل از قبیل تقلیل خسارت و صدمات، کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی و آشکارساز، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینهٔ بیشتر به وی نائل گردید، مهم‌ترین این اصول عبارتنداز:۱.مکان‌یابی ۲. استتار ۳. اختفاء ۴. پوشش ۵. فریب ۶. پراکندگی ۷. تفرقه و جابه‌جایی ۸. مقاوم سازی و استحکامات ۹. اعلام خبر.[2] دریک جمع‌بندی کلی از تعاریف بالا، چنین معلوم می‌شود: برخلاف دفاع عامل که درآن به کارگیری سلاح، امری ضروری بوده است، دردفاع غیرعامل، سلاحی به کار گرفته نمی‌شده و نمی‌شود، بلکه اقدامات ازقبل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده‌ای است که هدف ازآن، کاهش صدمات نسبت به نیروهای خودی و در مقابل، وارد آوردن ضربات سهمگین و تحمیل هزینه‌های سنگین بردشمن است. به‌نظر می‌رسد در عصر اسلامی به ویژه سده‌های میانه، درحیطهٔ دفاع غیرعامل، مواردی از اصول ذکر شدهٔ بالا مراعات شده است. ما دراین مقاله سعی خواهیم نمود در حد امکان، به بررسی آن بپردازیم، و به مواردی که منطبق با اصول نه گانه باشد اشاره کنیم.

توجه به دفاع غیرعامل درمتون گذشته

در جهان اسلام، کتاب ها و نوشته‌هایی دربارهٔ آداب جنگ واصول آن به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، همچون باب«الحرب» از *عیون‌الأخبار*، تألیف«ابن‌قتیبه»، مربوط به سدهٔ سوم، *آداب الحرب*

---

۱ احمداصغریان جدی(۱۳۷۴)، «دفاع غیرعامل درارگ بم»، صفه(نشریهٔ علمی -پژوهشی معماری و شهرسازی-دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهیدبهشتی)، س۵، ش ۱۹و۲۰، ص۷۰.

۲ موحدی‌نیا، همان، صص۷۳-۷۴.

والشجاعة تألیف«محمدبن منصور سعید ملقب به مبارکشاه»مربوط به سدهٔ ششم و هفتم هجری-قمری/ و *رسالة التذکرة الهرویة فی فنون الحربیة* نوشتهٔ «علی بن ابوبکرهروی» در سدهٔ ششم هجری. طرح چنین مطالبی در تاریخ ایران و اسلام بسیار نادر است. استفاده از این کتاب‌ها و نیز کتاب‌هایی چون *احکام السلطانیه* ماوردی و سایر کتب اخلاقی برای روشن شدن مفهوم دفاع غیرعامل در سده‌های گذشته و شناسایی اقدامات دفاعی، فنون و ترفندها درحیطهٔ مؤلفه‌های دفاع غیرعامل، بسیار ضروری می‌باشد. شایان ذکر است که در جهان اسلام و دیگر نقاط جهان تا قبل از به کارگیری سلاح‌های آتشین که جنگ ها اغلب به صورت تن به تن بود، پیروز اصلی در میدان جنگ معرفی می‌شد. با ورود سلاح‌های آتشین[۱] و جدید، این مسئله تغییر یافت. پس در بررسی مفهوم تاریخی«دفاع غیرعامل»، تأکید ما براصول دفاعی منطبق بازمانی که سلاح‌ها نه آتشین و جدید، بلکه سلاح‌های قدیمی‌اند خواهد بود. بدین صورت، مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در زمان حاضر به جز چند مورد، قابل انطباق با دوره‌های تاریخی نیست و تأکید بیشتر بر مؤلفه‌هائی مانند مکان‌یابی، استحکامات، فریب، استتار، اختفا و پوشش خواهد بود.

الف. مکان‌یابی و استحکامات

مکان‌یابی و استحکامات به عنوان دو اصل مهم در دفاع غیرعامل، مطرح می‌باشند. منظور از مکان‌یابی، انتخاب مطلوب‌ترین نقطه و محل استقرار است که نیروهای خودی را نسبت به دشمن در موقعیت بهتری قرار دهد.[۲] منظور از استحکامات، ایجاد هرگونه حفاظ درمقابله با اصابت سلاح‌های آفندی دشمن است که مانع صدمه رسیدن به نفرات و تجهیزات خودی می‌گردد.[۳] پناهگاه، جان پناه،سازه‌های امن ومقاوم‌سازی تأسیسات و...جزء استحکامات محسوب می‌شود.[۴]

در تاریخ ایران، در نوشته‌های برخی از اندیشمندان چون«قزوینی»، به امر دفاع(غیرعامل) توجه شده است. وی درمقدمهٔ کتابش با عنوان«آبادی به چه کار آید» همکاری و اجتماع را لازمهٔ اجتماعی بودن و زندگی جمعی انسان بر شمرده است. به نظر وی برای محافظت از این اجتماع

---

۱ منظور از سلاح‌های آتشین، توپ و تانگ و تفنگ و هواپیما و سلاح‌های جدید چون انواع بمب‌های گرافیتی و اتمی وشیمیایی و ... می‌باشد.

۲ موحدی‌نیا، همان، ص۷۵.

۳ همان، ص۷.

۴ اسفندیاری، همان، ص۷۰

«..باید آبادی بسازند و در خانه ها از خود حفاظت نمایند و آنگاه اگر درخانه‌های آبادی، دیوارهای کوتاه و درهای چوبین نازک بکار برند، چنانکه در روستاها که برج و بارو ندارند چنین کنند باز از دست دشمنان نیرومند و غارتگران حرفه ای در امن و امان نیستند. پس خداوند تعالی به بشر الهام کرده است که باروهای محکم و کندک‌های[1] مستحکم و برج‌هایی دیده‌بانی و غیره را از دور آبادی بسازند که سرانجام این الهام، شهرهای بزرگ و پرجمعیت و دور از هراس و دلهره از دشمنان یورش بر و چپاولگر ایجاد شوند». وی در ادامهٔ بحث خود می‌افزاید که: پادشاهان در مکان‌یابی پایتخت‌های خود از مردان باتدبیر و دنیا دیده کمک گرفته، مکان‌هایی را انتخاب می‌نمودند که راه با ساحل دریا داشته باشد، از کوه‌ها دور نباشد و منبع کافی برای تأمین آب وجود داشته باشد[2]. «...گرداگرد پایتخت باروی بسیار مستحکم کشیده‌اند که چندین دروازه دارد.... هرشهری از این شهرها دژی دارد که زیگاه شهریار و خدم و درباریان است.... آبادی‌هایی که نزدیک باتلاق‌ها، مرداب‌ها یا درسرزمین‌های نشیب، یا در میان جزیره قرار دارند، بیماری زا و ناجورند زیرا آب و هوای بد دارند و بر ساکنان تأثیر بد می‌گذارند».[3] قزوینی نه تنها به ملزومات شهری بلکه به اصول مختلف دفاع غیرعامل، از جمله مکان یابی شهری به عنوان مبحثی مهم در امورنظامی، اشاراتی نموده است که بیانگر به کارگیری این موارد در دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشد. برج، بارو و خندق به عنوان استحکامات درمبحث دفاع غیرعامل برای دفاع شهری درگذشته در مقابله با دشمنان امری حیاتی بود. با استفاده ازاین استحکامات چه شهرهای زیادی که خود را از گزند دشمنان محافظت نموده اند، درمقابل،چه خیانت کارانی که به خاطر دست یافتن به مقام،کلید دروازه‌های شهر را به دست دشمن داده‌اند. درگذشته، شهرهای بارودار درصورت ذخیره و آذوقه کافی، به راحتی می‌توانستند دربرابر مهاجمان برای چندین ماه مقاومت

---

۱ کندک یا کندگ همان خندق می‌باشد.

۲ تهیهٔ آب به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، در بالابردن روحیهٔ مدافعان شهری و قلعه بسیار مهم و تأثیرگذار بود، بنابراین از راه‌های گوناگونی تلاش می شد تا آب مورد نیاز، تأمین گردد. احداث آب انبارها و حوض‌ها از مهم‌ترین راه ها بود (معین الدین محمد الزمجی اسفزاری(۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات*، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمدکاظم امام، ج۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص۱۰۷-۱۰۸) . وجود آب انبارها، مخازنی برای ذخیرهٔ آب و مواد غذایی در شهر موجب می شد تا در هنگام محاصره، مدافعین بتوانند بدون از دست دادن روحیه، به حیات خود ادامه دهند و با طولانی شدن محاصرهٔ شهر توسط دشمن، بالطبع هزینه‌های دشمن هم بالا می‌رفت به گونه-ای که مجبوراً محاصره شهر را رها می‌نمودند.

۳ زکریابن‌محمدبن‌محمود قزوینی(۱۳۶۶)، *آثارالبلاد واخبارالعباد*، ترجمهٔ عبدالرحمن شرفکندی، تهران: مؤسسهٔ علمی اندیشهٔ جوان، صص۸-۹.

نمایند.

در ساختار شهرهای اسلامی، اصول دفاع غیرعامل رعایت می‌شده است. ساختار سه‌گانهٔ اکثر شهرهای اسلامی[۱] به ترتیب امنیت: کهندژ[۲]، شارستان و ربض بود. به گونه‌ای که با دور شدن از کهن دژ، امنیت نیز کاهش می‌یافت. ساخت بارو یا دیوارهای شهری[۳] به همراه برج، خندق، دروازه‌ها، کهن دژها، دژها که در مبحث استحکامات دفاع غیرعامل قرارمی‌گیرد، درشهرهای ایران وجهان اسلام درگذشته مراعات می‌شده است. ابن‌خلدون در مقدمهٔ خود به درستی به نقش برج و بارو در دفاع شهری اشاره نموده، آن را باعث شکستن کمر دشمن دانسته است: «...برای پیکارجویانی که از بالای برج و باروهای شهر بزرگی نبرد می‌کنند همان استحکامات و برج و

---

۱ از جمله قرطبه که دارای بیرونی و درونی بود (أبوعبد الله محمدبن‌أحمد مقدسی(۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمهٔ علینقی منزوی، ج۱، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ص۳۳۳) کابل(همان، ج۲، ص۴۴۳) همدان (ابواسحق ابراهیم اصطخری(۱۳۴۷)، *المسالک و الممالک*، ترجمهٔ فارسی، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه ونشر کتاب، ص۱۶۴) قزوین (همان، ص۱۷۲) و نیشابور(همان، ص۲۰۴) «زرنج» سیستان به عنوان مرکز حکومت صفاریان دارای شارستان و ربض و خندق بود و دروازه‌های این شهر همه آهنین بودند. همان، صص۱۹۳-۱۹۴و نیز: ابن-حوقل(۱۳۶۶)، *سفرنامهٔ ابن‌حوقل*، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص۱۵۲-۱۵۳؛ احمد-بن‌ابی‌یعقوب یعقوبی(۱۳۴۷،۱۳۴۳)، *البلدان*، ترجمهٔ محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه ونشر کتاب، ص۵۷.

۲ ارگ یا کهندژ ازعناصر مهم اداری- نظامی شهرها در دورهٔ اسلامی بوده است. عناصر و تأسیسات درون ارگ به گونه‌ای بود که امکان یک زندگی نیمه مستقل را برای ساکنان آن تأمین می کرد و به آن‌ها امکان می‌داد در صورت محاصره شدن برای چند ماه بدون نیاز به فضای خارج به زندگی خود ادامه دهند(حسین سلطان زاده(۱۳۶۵)، *مقدمه‌ای برتاریخ شهروشهرنشینی درایران*،تهران:نشر آبی، ص۲۸۸). نمونه معروف آن ارگ معروف بخارا بود (ابی‌بکرمحمدبن‌جعفر نرشخی(۱۳۶۳)، *تاریخ بخارا*، ترجمهٔ ابونصراحمدبن محمدبن نصرالقباوی، تلخیص محمدبن زفربن عمر، تصحیح وتحشیهٔ مدرس رضوی، تهران: انتشارات توس، صص۳۴-۳۵).

۳ سور یا بارو از عناصر دفاعی مهم درشهرهای اسلامی بود. این عنصر به منظورجلوگیری از هجوم قبایل و نیروهای مهاجم ساخته می‌شد و در ایجاد اعتماد به نفس در بین حاکمان و شهروندان عاملی بس مهم بود به گونه‌ای که در بعضی اوقات با استحکام برج وبارو برعلیه دولت مرکزی می‌شوریدند(اسفزاری، ج۱، ص۴۴۵). نمونهٔ آن باروی محیط بخارا(ابن-حوقل،همان،ص۲۱۰؛زکریابن‌محمدبن محمودقزوینی(۱۳۷۳)، *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، ترجمه و اضافات از جهانگیرمیرزا قاجار، به تصحیح وتکمیل میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص۵۸۶؛ شمس الدین‌محمدبن‌ابی‌طالب انصاری دمشقی(۱۳۵۷)، *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمهٔ سیدحمید طبیبیان، تهران: فرهنگستان ادب وهنر ایران، صص۳۷۶-۳۷۷؛ نرشخی، همان، ص۴۷؛ ابی‌سعیدعبدالحی‌بن‌الضحاک‌بن‌محمودگردیزی(۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، صص۲۸۳-۲۸۴) و سمرقند(ابوبکراحمدبن محمدبن‌اسحاق همدانی(ابن فقیه)(۱۳۴۹)، *ترجمهٔ مختصر البلدان*(بخش مربوط به ایران، ترجمهٔ ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص۱۷۵) بود که برای محافظت در برابر ترک‌ها کشیده شده بود. و یا بارویی که غازان خان به دور تبریز کشید. عبدالمحمدآیتی(۱۳۴۶)، *تحریرتاریخ وصاف*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص۲۳۱؛ حمدالله مستوفی(۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی،تهران: کتابخانهٔ طهوری، صص۸۵-۸۷). در سایر شهرهای اسلامی از جمله قاهره کاخ سلطان با برج و بارو و درهای آهنین محافظت می‌شده است (مقدسی، همان، ج۱، ص۲۸۵).

باروها به منزلهٔ بهترین وسیله پایداری است و مجبور نمی‌شوند گروه‌های بسیار و افراد بیشماری را به جنگ وادارند، چه، حال آن شهر و ستیزه جویانی که آن را پناهگاه خویش می‌سازند خود از موجباتی است که پشت(امت) ملت مهاجم را می‌شکند و نیروی جنگی دولتی را که آهنگ استیلا یافتن برآن شهر دارد سرکوب می‌کند».[1] علاوه بر بارو، در امردفاع شهری، خندق از مهم‌ترین عناصر به شمار می‌رفت و بایستی خندق دور قلعه یا شهر، گسترش و مستحکم و عمیق می‌شد: «چون خندق برای افراد ناتوانی که در محاصره قرار گرفته‌اند مانع دفاعی خوبی است».[2] نمونهٔ بارز استفاده از خندق به عنوان عامل دفاعی غیرعامل در غزوهٔ خندق پیامبر(ص) با مشرکین، قابل مشاهده است. در این جنگ به پیشنهاد سلمان، پیامبر دستور زدن خندق را داد، بدین‌صورت توانست بدون درگیری، پیروزی را به دست آورد.[3]

مکان‌یابی و انتخاب جایگاه درست و مناسب رویارویی لشکرها درگذشته که اغلب رودررو بوده‌اند امری حیاتی شمرده می‌شد، بنابراین قبل از شروع جنگ، نیروهای لشکر باید در مکانی امن که تا حدی از نظر دفاعی مناسب بود، فرود می‌آمدند. در انتخاب مواضع مناسب یا مکان‌یابی صحیح برای استقرار نیروها در صحنهٔ نبرد، دراخلاق ناصری چنین آمده است: «... در مواضع حرب نظر باید کرد و جایگاه مردان چنان‌که به حصانت و صلاحیت آن کار نزدیک‌تر بود، اختیار کرد. و حصار و خندق نشاید کرد، الا در وقت اضطرار چه امثال این موجب تسلط دشمن باشد»[4] بهترین مکانی که پادشاه یا فرمانده می‌توانست برای فرود آمدن لشکر انتخاب کند آن بود که لشکر را در کنار آب و گیاه[5] (علوفه) فرود آورد تا از بابت تأمین آن‌ها مشکلی پیش نیاید.[6] هم‌چنین در انتخاب محل، باید وضعیت کمینگاه‌ها در نظر گرفته می‌شد. درصورت کم بودن تعداد نفرات سپاه، محل مناسب برای فرود اردو، کنار رود یا دامن کوه بود، به علاوه بایستی در پیش لشکرگاه، زمین‌های

---

۱ ابن‌خلدون، همان، صص۶۷۶- ۶۷۷.

۲ علی‌بن‌ابوبکرهروی(۱۳۸۵)، «رسالة التذکرة الهروية فی فنون الحربية»، ترجمهٔ اصغر قایدان، *نشریهٔ تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم*، ش ۲۵، ص۲۰۳.

۳ طبری، همان، ج۳، ص۱۰۶۸.

۴ خواجه نصیرالدین طوسی(۱۳۶۹)، *اخلاق ناصری*، تهران: انتشارات خوارزمی، ص۳۱۲.

۵ ساخت استحکامات مورد نیاز و پنهان کردن اهداف از دید دشمن از اصول اساسی دفاع غیرعامل است و گیاهان به عنوان طبیعی‌ترین و ماندگارترین مصالح استتارند که جلوهٔ طبیعی و عادی دارند، همچنین کمتر نیازمند تعمیر و نگهداری می‌باشند(جمشید عباس پورنیسیانی و حسین عبدی(۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای براصول ومبانی اساسی پدافندغیرعامل*، تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء- معاونت پدافندغیرعامل، ص۷۸.

۶ ابی‌الحسن‌علی‌بن‌محمدبن‌حبیب البصری الماوردی(۱۴۲۲هق/۲۰۰۲م)، *احکام السلطانیه*، بیروت: دارالفکر، ص۴۳.

گود شده بوسیله سیل، یا جاهای عمیق و گود می‌بود تا از شبیخون دشمن در امان باشد.[۱] چنانچه ملاحظه می‌شود در مکان‌یابی استقرار نیروها، رعایت اصول دفاعی مورد توجه بود، لشکر باید درکنار یک عامل طبیعی مانند کوه یا رود که مانعی دربرابر عملیات دشمن بود فرود می‌آمد، به علاوه با موانع دفاعی مصنوعی، مانند کندن خندق، این قدرت دفاعی بیشتر می‌شد.

مقولهٔ مهم دیگر در تکمیل فرایند لشکرکشی همانا تهیهٔ آذوقه بود. علاوه بر مهاجمین که باید به فکر تهیهٔ آذوقه برای خود بودند، مدافعین داخل شهرها یا قلعه‌ها نیز باید پیش‌بینی‌های لازم را برای با تأمین نیازهای حیاتی چون آب و مواد غذایی و... به عمل می‌آوردند. هروی در این مورد چنین می‌آورد: «...و باید سلطان انبارهای غذایی وغلات موجود آن‌ها مثل گندم، جو و عدس و انبارهای کاه و مخازن نمک، روغن، چربی، گوشت‌های نمک سود، جگرهای نمک زده وگوشت دست و پاهای بریده شده حیوانات را برای جنگ در نظر گیرد..».[۲] این موارد نه فقط در ایران و جهان اسلام، بلکه در دیگر نقاط جهان نیز اجرا می‌شد. این پایگاه‌ها باید به قدری بزرگ می‌بود که نه تنها تدارک نیازمندی‌های مدافعین را می‌نمود، بلکه انبارهایی برای پشتیبانی و نگاهداری تعرضی نیز در نظر گرفته می‌شد تا درصورت انجام عملیات تعرضی، به آن‌ها اتکا نمایند.[۳] این نکات درگذشته، در راستای مدیریت بحران، رعایت و اجرایی می‌شد تا از به وجود آمدن بحران درداخل شهر در هنگام محاصره جلوگیری به عمل آید. هروی به موارد بسیار مهمی اشاره نموده است که در وارد آوردن ضربه به دشمن بدون درگیری نقش مهمی داشت، به نظر او محاصره شوندگان شهری، باید ساختمان‌های نزدیک به سرزمین خود را ویران نموده، سنگ‌های آن را به داخل قلعه منتقل می‌نمودند، چرا که سنگ بهترین وسیله برای استفادهٔ افراد در زمان حمله بود، همچنین تمام چوب‌ها و پل‌ها باید تخریب و به داخل شهر انتقال داده می‌شد، چاه‌ها و منبع‌های آب علاوه بر این‌که باید تخریب می‌شدند، باید لاشه‌های سمی و آب‌های کشنده و جیوه وگازهای متصاعد شونده در آن‌ها [منابع و چاه‌های آب] می‌ریختند[۴] و در محل اقامت دشمن،

---

۱ منصوربن‌سعیدمبارکشاه: معروف به فخر مدبر(۱۳۴۶)، *آداب الحرب و الشجاعه*، تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال، صص۲۸۲-۲۸۳.

۲ هروی، همان، ص۱۹۲.

۳ ادوارد، م.ارل[بی‌تا]، *تاریخ فن جنگ*، ترجمهٔ سرتیپ محمدعلی پیروزان، ج۱، تهران: کتابفروشی و چاپخانهٔ محمدعلی علمی، ص۶۴.

۴ مدافعان اسماعیلی با کندن چاه و خندق و زهر آلود کردن چاه‌ها راه پیشرفت دشمن را سد می‌کردند (امیلی واسیلیویچ. رت اشنایدر (۱۳۸۱)، *ایران وماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه*، جستارهای تاریخی و جغرافیایی، ←

اجساد حیوانات مرده چون شتر و اسب و قاطر و سگ و زباله می‌انداختند بطوری که در مسیر وزش باد قرار گیرند که این باعث شیوع بیماری وبا و آلودگی هوا می‌شد.[۱]

انتخاب محل مناسب برای رویارویی با دشمن می‌توانست نیروهای خودی را نسبت به دشمن، در حالت بهتری قرار داده، امکان پیروزی را افزایش دهد و یا در صورت شکست، زمینه را برای ترک هرچه سریع‌تر عرصهٔ کارزار فراهم نماید. تعیین موقعیت مناسب قرارگیری در هنگام جنگ از جمله وظایف فرمانده بود.[۲] به نظر مبارکشاه: «جای موافق آنست که پادشاه و سرلشکر چون ازولایت خود بیرون شوند، به ولایت دشمن دور نروند تا راه را خصمان گذاره کنند[۳] و زمین‌های درشت و کوه‌ها و ریگستان‌ها و شورستان‌ها پس پشت و شما به وقت و هنگام جای گرفته باشید[۴] و کار خود ساخته و علف و کاه و هیزم جمع کرده و از رنج راه بر آسوده..». وی در ادامه با ذکر دلایل، به مکان‌هایی که جنگ نباید در آن صورت می‌گرفت پرداخته، بهترین محل جنگ گاه را چنین عنوان نموده است: «زمینی باید که باکرویه[باگرد]و سنگ ریزه خرد در یکدیگر آمیخته بود تا گرد نشود و نیک نزدیک آبادانی نباید، اگر نعوذ بالله واقعه‌یی باشد از لشکر خصم چندان ضرر نباشد که از اوباش و رندان آن موضع، و چنان دور نباید که اگر کاری افتد پیاده شب را به آبادانی تواند رسید وخود را در ایمنی افگند و سوار به یک زمان هم به آبادانی رسد تا هلاک وگرفتار نشود و در آن کوشد تا آب هم بیابد..».[۵] تمام این اقدامات ذکر شده برای تعیین محل مناسب صحنهٔ نبرد می‌باشد که درصورت انتخاب صحیح و درست می‌تواند باعث شکست و تحمیل هزینه‌های زیاد بردشمن گردد و درمقابل تلفات و هزینه‌های نیروهای خودی را پایین بیاورد.

برای تعبیهٔ صحنه نبرد باید اصولی درنظر گرفته می‌شد تا قدرت لشکر به لحاظ دفاعی بالاتر

→

ترجمهٔ هاشم رجب زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص۱۵۶.

۱ هروی، همان، ص۲۰۳.

۲ ماوردی، همان، ص۴۳.

۳ یعنی راه را دشمن ببندد.

۴ به این موضوع «سون جو» به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان دربارهٔ مسائل جنگی اشاره نموده است. به نظر او «کسی که اول وارد زمین شود و در انتظار دشمن بنشیند، به هنگام نبرد تازه نفس خواهد بود. کسی که دیرتر به میدان بیاید و به سوی نبرد بشتابد خسته از راه می‌رسد، پس جنگاور زیرک، ارادهٔ خود را بر دشمن تحمیل می‌کند و نمی‌گذارد که ارادهٔ دشمن بر او تحمیل شود. سون جو(۱۳۸۷)، *هنر رزم*،ترجمهٔ نادرسعیدی، تهران: انتشارات کاروان، ص۴۱.

۵ مبارکشاه، همان، صص۳۱۴-۳۱۵.

رود: قلب لشکر باید بر بلندی قرار می‌گرفت تا امکان رؤیت هر دو لشکر را داشته باشد. مطمئن بودن از پشت سر از مهم‌ترین موارد بود.[۱] برای همین پشت به کوه داشتن لشکر، مانعی مهم در برابر دشمن بوجود می‌آورد چراکه کوه خود مستحکم‌ترین دژ محسوب می‌شود.[۲] درتشریح نحوهٔ صحیح جایگیری و مکان‌یابی استقرار سپاه درمحل مناسب، هروی به نکاتی چند اشاره نموده است، به نظر وی محل اردو نباید در جایی با آب و علف اندک و دراحاطه دشمن بود، که باعث نابودی نیروها شود، بلکه نیروها باید درسرزمین‌های مرتفع یا سرزمین‌هایی پست، بدون گل و لای، و درصورت امکان در مکان‌هایی که درجهت باد شمال قرار داشت، مستقر می‌شدند، به علاوه برای حفظ لشکر از سیل وحمله‌های شبانه، نباید درسرزمین‌های خیلی پست مستقر می‌شدند. به علاوه باید طوری برنامه‌ریزی می‌شد که امکان پراکنده شدن نیروهای دشمن درزمین های اطراف و دستیابی آن‌ها به علف را ناممکن می‌ساخت.[۳] ایجاد مانع در دستیابی دشمن به ملزومات اساسی از جمله علف در دورهٔ گذشته، خود به نوعی اقدام دفاعی غیرعاملی بود که باعث وارد آمدن ضربه به دشمن می‌شد.

ب. فریب

فریب، کلیهٔ اقدامات طراحی شده حیله‌گرانه‌ای است که موجب گمراهی و غفلت دشمن در نیل به اطلاعات و محاسبهٔ صحیح از توان کیفی و کمی طرف مقابل گردد. فریب نظامی به منظور گمراه ساختن فرماندهان تصمیم گیرندهٔ دشمن انجام می‌شود تا دشمن از توانایی‌ها، اهداف و عملیات نیروهای خودی آگاه نشود و در نتیجه به اقدام یا عدم اقدام خاصی مبادرت ورزد که به انجام مأموریت نیروهای خودی کمک نماید.[۴] لازم به ذکر است که در دورهٔ گذشته و حال، هدف از جنگ در نهایت چیزی جز صلح نبوده است، بنابراین اندیشمندان بزرگ جنگی- اخلاقی به زانو درآوردن دشمن را بدون جنگ مورد توجه قرار داده‌اند: «فضیلت برتر، جنگیدن و پیروزی در تمامی نبردها نیست، فضیلت برتر، درهم شکستن مقاومت دشمن، بی‌توسل به جنگ

---

۱ ماوردی، همان، ص۴۳.
۲ ابن‌خلدون، همان، ج۱، ص۵۳۰.
۳ هروی، همان، صص۱۹۲-۱۹۳.
۴ موحدی‌نیا، همان، ص۸؛ اسفندیاری، همان، ص۶۹.

است...»[۱] استفاده از حیله(خدعه) در جنگ، از سوی حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) هم مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر(ص) به تفرقهٔ دشمنان با استفاده از حیله، اشارتی نموده[۲] و جنگ را خدعه دانسته است[۳] حضرت علی(ع) هم درمصاف خود با عمروبن‌عبدود با حیله‌ای که به کار برد، توانست او را شکست دهد و در جواب عمرو که گفت: یا علی مکر کردی، حضرت علی چنین فرمود: «الحرب خدعه».[۴]

ابن‌قتیبه معتقد است که محاربه با دشمن به عنوان آخرین راه و در زمان ناگزیر باید صورت گیرد،[۵] خواجه نصیرالدین طوسی در *اخلاق ناصری*، برتری برخصم ودشمن را به وسیلهٔ حیله و تدبیر، بهتر از پیروزی درصحنهٔ نبرد برشمرده است: «و تا به تدبیر وحیلت، تفرّق اعدا و استیصال ایشان میسر شود، استعمال آلت حرب ازحزم دور بود». بنابراین او توصیه می‌کند که تدبیر و امور لشکر به فرماندهی با شرایط زیر سپرده شود: اول شجاع و قوی دل باشد، دوم آن که «به رأی صایب و تدبیر تمام متحلّی باشد» تا انواع حیله‌ها و ترفندها را دانسته و به کارگیرد و سوم این که درگذر زمان در جنگ‌های زیادی حضور داشته و تجربه اندوخته باشد.[۶] در *مرزبان‌نامه* نیز به فریب دشمن اشاره شده است: «وگفته‌اند مکیدت دشمنان و سگالش[۷] خصمان در پرده،کارگرتر آید. آب که در زیر کاه حیلت پوشانند، خصم را به غوطهٔ هلاک زودتر رساند...».[۸] جاحظ نیز به اهمیت استفاده از فریب اشاره نموده است: «و رسم پادشاهان چنین بوده است که به هنگام جنگ از مکایدت و نیرنگ دریغ نکنند و شهریاران کامکار برآنند که پیروزی را چندگونه تعبیر است و آخرین آن‌ها تاختن است[...]زیرا به هرگونه تدبیر که دست یازند مال و خواسته صرف کنند، مگر آن که روز پیکار جان‌ها مصروف شوند و این بر پادشاهان به غایت دشوار است و از این راه نیرنگ و فریب را برتری دهند، تاخون لشکریان ریخته نشود و از گنج ایشان

---

۱ سون جو، همان، ص۲۹.

۲ محمدبن جریرطبری(۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمهٔ ابو القاسم پاینده، ج ۳، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۹۶۰، ۱۰۷۸.

۳ طبری، همان، ج۶، ص۲۳۴۴.

۴ ابوعلی بلعمی(۱۳۷۸)، *تاریخنامهٔ طبری*، محقق ومصحح محمدروشن، ج۳، تهران: سروش، چ۲، ص ۲۰۵.

۵ ابی‌محمدعبدالله‌بن‌مسلم‌ابن‌قتیبةالدینوری(۱۹۵۵)، *عیون الاخبار(کتاب الحرب)*، الجزء الثانی، بیروت: دارالفکر- مکتبة- الحیاة، ص۸.

۶ طوسی، همان، ص۳۱۳؛ ماوردی هم برای«امیر الجیوش» ۱۰نکته بر شمرده است(ماوردی، همان، صص۴۳-۴۴) .

۷ چاره‌جویی و اندیشه کردن (حسن عمید (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی* عمید، تهران: راه رشد، صص۶۵۶-۶۵۷)

۸ مرزبان‌بن‌رستم‌بن‌شروین(سدهٔ۴) و اصلاح کاتب سعدالدین وراوینی(سدهٔ ۷) (۱۳۱۷هش)، *مرزبان نامه*، بتصحیح و تحشیهٔ محمدبن‌عبدالوهاب قروینی، تهران: ناشر کتابخانهٔ طهران، ص۱۲۱.

نیز بسیار صرف نگردد و اگر از مکر و خدیعت کاری ساخته نمی‌شد چارهٔ کار با شمشیر می‌کردند. و گفته‌اند که خوشبختی و نیرومندی تاجداران به این صفت نیازمند است که فریبیدن دشمن نیکو دانند و غالب شدن را با مکر و خدیعت به خوبی توانند. و آن چه از پیامبر ما نیز روایت شده است هم مؤید این معنی است زیرا به یاران خود فرموده است که «جنگ یعنی نیرنگ». او درحیله و نیرنگ، پادشاهان قدیم ایران را سرآمد دیگران برشمرده است.[۱]

استفاده از حیله‌های جنگی و فریب دشمن یا به عبارت دیگر فریب نظامی، متناسب با دوره‌های تاریخی(زمان و مکان)، همواره مورد توجه بوده است. فرماندهٔ سپاه برای غلبه بردشمن و به حداقل رسانیدن تلفات نیروهای خودی، مجاز به استفاده از انواع حیله، مکر و ترفند بود. این اقدامات یا قبل از شروع به جنگ بود، یا این که درصحنهٔ نبرد اجرایی می‌شد. اکثر اقدامات قبل از شروع جنگ درحیطهٔ دفاع غیرعامل قرار می‌گیرد.

از جملهٔ این حیله‌ها و فریب‌ها [که به نوعی در زمرهٔ آداب جنگ هم قرار می‌گیرد] درگذشته می‌توان به این موارد اشاره نمود. فرماندهٔ سپاه، باید صحنهٔ نبرد بادشمن را به گونه‌ای ترتیب می‌داد که باد و آفتاب پشت سر نیروهای خودی باشد، در صورت عملی نبودن چنین تدبیری «چنان باید کرد که باد را بردست راست کند تا گرد برمیسره دشمن رود و روشنایی مَر لشکر اورا باشد». استفاده ازآفتاب و زاویهٔ تابش آن درمیدان نبرد از جمله عواملی بود که فرماندهان گذشته همواره بدان توجه می‌نمودند، فرمانده باید میدان نبرد را بگونه‌ای تعبیه می‌نمود که آفتاب نه درمقابل لشکریان خودی، بلکه برپشت نیروهای خودی می‌تابید، چراکه آفتاب درمقابل لشکر و نورمستقیم آفتاب، خود عاملی درجهت اذیت نیروهای خودی محسوب می‌شد. بعلاوه اگر به هنگام شروع جنگ، مسیر وزش باد عوض و علیه نیروهای خودی می‌شد، فرمانده باید حیله‌ای بکار می‌گرفت تا جنگ به روز دیگری موکول گردد.[۲] اگر به هر دلیلی دراین امر موفق نبود و با حملهٔ دشمن مواجه می‌شد، برای کاهش تلفات و مقابله با دشمن بهتر این بود که آهسته در عرض صحنهٔ نبرد حرکت نماید تا اوضاع به نفع او تغییر نماید.[۳] اما این نکتهٔ مهم نیز

---

۱ ابوعثمان‌عمروبن بحرجاحظ(۱۳۸۶)، *تاج(آئین کشورداری در ایران واسلام)*، یافته احمدزکی پاشا، ترجمهٔ حبیب اله نوبخت، تهران: آشیانهٔ کتاب، ص۲۲۵.

۲ مبارکشاه، همان، ص۳۷۲؛ ابن‌قتیبه، همان، ص۸.

۳ هروی، همان، ص۱۹۷.

نباید ازنظر دورنگه داشته شود: «...تا دانی که دشمن نیزاز اندیشهٔ مکایدت ما خالی نباشد..»[۱] پس درمقابل حیله و فریبی که از سوی نیروهای مدافع برعلیه مهاجم به کار می رود، طرف دیگر نبرد(دشمن)، نیز حتماً درپی استفاده ازحیله و فریب‌هایی برای پیروزی است، بنابراین از قبل می‌بایست پیش‌بینی‌های لازم دراین مورد صورت می‌گرفت تا از وارد آمدن ضربات سنگین جلوگیری بعمل آید.

در باب بیست و سوم «اندر فرهنگ‌ها و دانشهای حرب ودقایق آن» مبارکشاه، به انواع اقداماتی اشاره نموده است که می‌توانست باعث فریب دشمن گردد: نمونهٔ جالب، استفاده از زر و نقره برای فریب دشمن می‌باشد. وی معتقد است در مقابله با دشمن اگر با رعایت تمام مراتب احتیاطی، باز هزیمت روی داد در این صورت «...خسک[۲] آنچه دارند بریزند و پیش از آن سیم و زر بریزند و جامه و فرش و اوانی و حقیبه[۳] و آنچه بدین ماند تادشمن بدان مشغول شود و ایشان سلامت بروند و باشد که درین میانه فرصت یابند چون دشمن در زر و سیم و متاع مشغول گشت و پراکنده شد هرکس که چیزی یافت و گرانبار شد بیش از و هیچ کاری نیاید و زود بازگردد تا آنچه یافته باشد جایی برساند چون لشکر بدین جمله شد، زدن ایشان نیک آسان باشد و به عمد مردان کاردیده و لشکرکشان حرب آموخته برین جمله کرده‌اند و فتح برآمده است».[۴] چنانچه ملاحظه می‌شود درگذشته، ریختن سیم و زر در میدان نبرد و مشغول نمودن نیروهای مهاجم بدان، می‌توانست باعث فریب دشمن گردد، چرا که باعث سنگین بار شدن او، در نتیجه کاهش قدرت مانور او بود، ازسوی دیگر اقداماتی مکمل شبیه ریختن خسک باعث غافلگیری دشمن و تحمیل هزینه زیاد به دشمن می‌گردید.

در رابطه با مناسب‌ترین زمان شروع به جنگ هم یک سری اقدامات احتیاطی-دفاعی، رعایت می‌شده است تا توانایی نیروهای خودی را در امر دفاع بالا برد. به هنگام بامداد نبایستی به جنگ مبادرت می‌شد بدین خاطر فرمانده باید باحیله و فریب سعی می‌نمود تا جنگ را به آخر روز(عصر) موکول کنند تا فرا رسیدن شب مانعی در جهت شکست باشد، چراکه تاریکی شب

---

۱ وراوینی، همان، ص۲۰۷.
۲ ریزه‌های تیز آهنی یاچوبی.
۳ ظرفی است شبیه به خورجین که رفاده و مزاده نیز نامند. آن‌را بر پشت بندند یا بر زین افکنند.
۴ مبارکشاه، همان، ص۳۶۷.

فرصت مناسبی برای فرار بود.[۱] ابن‌خلدون هم به این موضوع اشاره نموده است: «و پیکار دشمن را درهنگام غروب آغاز کن».[۲]

در عصر اسلامی، استفاده از فریب بسیار شایع بوده است. برای نمونه، خوابیدن امام علی(ع) به جای پیامبر(ص)[۳]، و بر نیزه زدن قرآن‌ها از سوی شامیان در نبرد با امام علی(ع)[۴] نمونهٔ بارز فریب محسوب می‌گردد. در فتوحات مسلمانان نیز از ترفندهای زیادی استفاده می‌شد، برای نمونه: قتیبه به عنوان والی خراسان درفتح شهر سمرقند، بعد از چندماه محاصره چون نتوانست کاری از پیش برد«...چاره‌اندیشی کرد، صندوق‌های بزرگی که از زیر هم دری داشت و ازداخل صندوق بازوبسته می‌شد فراهم کرد، و در هر یک مرد مسلحی را همراه شمشیرش جا داد و درهای بالای صندوقها را بست». سپس به دهقان سمرقند پیام داد: که مقداری اموال را به عنوان امانت پیش او خواهد فرستاد،«دهقان این پیشنهاد را پذیرفت» بدین صورت مردان در درون صندوق ها وارد شهر شدند و توانستند شب دروازه‌های شهر را باز نمایند، بدین صورت قتیبه وارد شهر گردید اما دهقان از راهی زیرزمینی که وجود داشت گریخت.[۵] پس ملاحظه می‌شود که سمرقند درقرون نخستین اسلامی دارای استحکامات لازم و کافی همچون برج و بارو و... برای مقابله بامهاجمان بوده است. درداخل شهر هم امکانات کافی برای ساکنین موجود بوده است. وجود راه زیرزمینی خود نمونه‌ای از به کارگیری دفاع غیرعامل بود تا با استفاده از آن، اشخاص بلندمرتبه خود را از دست دشمن رهایی بخشند. چنانچه ذکر گردید ممکن است که حیله ازسوی دشمن به کار گرفته شود، این نمونهٔ خوبی برای آن است که قتیبه توانست با فریب دهقان، سمرقند را بدون جنگ، به دست آورد.

یعقوب لیث صفار بنیانگذار حکومت صفاریان، ازجمله اشخاصی درتاریخ ایران بود که درنبردهای خود با دشمن از فریب استفاده نمود. او به علت ناسازگاری باعباسیان، دریکی ازدرگیری‌های خود با محمدبن‌واصل عامل خلیفه، نوعی فریب متناسب با آن دوره، به کار برد. در

---

۱ مبارکشاه، همان، ص ۳۱۵؛ ابن‌قتیبه، همان، ص۸.

۲ ابن‌خلدون، ج۱، ص۵۳۰.

۳ طبری، همان، ج۳، ص۹۱۱.

۴ طبری، همان، ج۶، ص۲۵۳۶.

۵ ابوحنیفه دینوری (۱۳۸۳)، *اخبارالطوال*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی،تهران:نشرنی، چ۴، صص۳۶۹-۳۷۰.

آن زمـان قبـل ازشـروع جنـگ بـین دوطـرف، سـفرایی ردوبـدل مـی‌شـد،[۱] بـرای همـین منظور«محمدبن‌واصل»رسولی«بشیربن احمد»نام را به اردوگاه یعقوب فرستاد. یعقوب برای فریـب دادن او به نیروهای خودش دستور داد تا در مکان‌هایی که سفیر نمی‌توانست آن‌ها را ببینـد پنهـان شوند، بدین ترتیب سفیر، جز غلامان خُرد اطراف یعقوب کسی را ندیـد. یعقـوب ضـمن نـوازش سفیر، به او چنین نمایاند که هدف او نه درگیری با محمدبن‌واصل، بلکه هدف صلح و دوستی با او می‌باشد. سفیر با دیدن این وضع، به نزد واصل برگشت و او را از این قضیه آگاه نمود و باخوشحالی چنین گفت: «اگر برو تاختن کنی او را به یک ساعت ازجهان برکنی که نیز هیچ کسی نگوید که یعقوب‌بن‌اللیث بود که سپاه ازو برگشته‌اند ...». محمدبن‌واصل بدون آگـاهی از نیروهـای مخفـی یعقوب برای جنگیدن، راهی شد و در محلی بنام بیضا[۲] به مصاف پرداختند«...تا سواری ده هزار از آن یعقوب از پس پشت او اندر آمد ...تا محمدبن‌واصل نگاه کرد ده هزار مرد به یکجـا از آن او کشته شد...» .[۳]

ج. استتار و اختفاء و پوشش

از دید امروزی، استتار و اختفاء، هنری است که با استفاده از وسایل طبیعـی یـا مـصنوعی، امکـان کشف و شناسایی نیروها، تجهیزات و تأسیسات دیده‌بانی، تجسس و عکس‌برداری دشمن را کاهش داده، مخفی و محافظت می‌نماید. پوشش هم، پنهان‌سازی و حفاظت تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی دربرابر دید و تیر دشمن می‌باشد.[۴] استتار «هنر پنهان‌سازی» است.[۵] اختفاء، باعـث حفاظـت نیروهای خودی در برابر دید دشمن می‌شود،[۶] اطلاعات چندانی دراین باره در منابع تاریخی وجـود

---

۱ خواجه نظام الملک به نکته‌ای مهم دربارهٔ مبادلهٔ سفرا اشاره نموده است: «ودیگر بباید دانست کـه چـون پادشـاهان، بـه یکدیگر رسول فرستند نه مقصودآن، همه پیغام و نامه باشد که برملا کنند... الا خواهند که بدانند احوال راه‌ها و عقبه‌ها و آب‌های رودها چگونه است تا لشکر شاید گذشت یا نه و علف کجا یابد و کجا نیابد و به هر جای از گماشتگان کـی‌انـد و بینند که لشکر آن ملک چند است و آلت و عدتش به چه اندازه اسـت..» ابـوعلی حـسن طوسـی(۱۳۴۷)، *سـیرالملوک: سیاست‌نامه*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ص۱۲۸.

۲ نام محلی دراستان فارس.

۳ [مجهول المؤلف]، *تاریخ سیستان* تألیف حدود ۴۴۵-۷۲۵هق(۱۳۱۴)، به تصحیح ملک الشعراء بهار، به همـت محمـود رمضانی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ وهنر، صص۲۲۶-۲۲۷.

۴ موحدی‌نیا، همان، ص۵؛ اسفندیاری، همان، ص۶۹.

۵ همان، ص۳۶.

۶ عباس‌پور نیسیانی، همان، ص۲۱.

ندارد اما نمونه‌هایی منطبق با این سه مؤلفهٔ مطرح شده می‌توان به دست آورد.

طلایه‌دارانی که برای دیده‌بانی و کسب اطلاعات ازدشمن درنظر گرفته می‌شدند، برای حفاظت ازخود، باید اصولی را رعایت می‌نمودند. آن‌ها جز سلاح، نان و آب نباید بار دیگری به همراه داشتند که خود را سنگین بار نمایند. هنگام حرکت، باید پراکنده و در گروه‌های جداگانه حرکت می‌نمودند و گاه بر بلندی می‌رفتند، این حرکت آن‌ها باید آهسته و نرم بدون جلب توجه دشمن و برانگیختن گرد و غبار بود تا دشمن از وجود آن‌ها مطلع نشود.[۱] درحرکت طلایه داران، اصول پوشش و استتار باید رعایت می‌شد تا توسط دشمن شناسایی نشوند. بنابراین در مسیرحرکت خود به سوی دشمن درهرنوبت، نباید بیش از یک فرسنگ می‌رفتند.[۲] تا شناسایی شوند.

در کمین علیه دشمن، برای حفاظت نیروها، اصول دفاعی چون استتار و اختفاء برای حفظ خود از گزند دشمن و نیز وارد نمودن نهایت ضربه به دشمن رعایت می‌شد. در کمین کردن که درحقیقت نوعی جنگ پنهان بود، باید سوارانی مجرب با اسب‌های خوب و بدون هرگونه دردمندی به کار گرفته می‌شدند. کمینگاه باید ازمردمان دور بود و بهترین محل کمین زدن، همانا نزدیک جویبار و یا رودبار و مرغزار و یا بیشه بود.[۳] [این‌ها مربوط به مکان‌یابی محل مناسب برای این کمین است که بایستی مورد توجه قرار می‌گرفت] از کمین زنندگان باید ساعت به ساعت کسی بربالای بلندی یا سردرخت رفته، دیدی بر دشمن می‌زد تا مطمئن شوند که از سوی دشمن شناسایی نشده‌اند. هنگام خارج شدن از کمین‌گاه، نیز سواران باید به گروه‌های زیادی تقسیم می‌شدند تا عدد و شمار سواران کمین ازسوی دشمن تخمین زده نشود. بهترین زمان کمین وشبیخون در ایام بهار، بهنگام بامداد، موقع استراحت پاسبانان و در تابستان میان روز و گرم‌ترین زمان بود.[۴] انتخاب زمان مناسب علاوه برآن که باعث غافلگیری دشمن می‌شد، می‌توانست در صورت اجرای عملیات، ضربات سنگین به خصم وارد نماید. مکان‌یابی در اجرای عملیات نظامی ازمهم‌ترین اصول دفاع غیرعامل می‌باشد و در این‌جا به اصول آن در اجرای کمین اشاره گردیده است، اصولی که می‌توانست هم باعث عدم غافلگیری و هم وارد آوردن ضربه به دشمن باشد.

---

۱ عنصرالمعالی کیکاوس‌بن‌اسکندربن‌قابوس‌بن‌وشمگیربن‌زیار(۱۳۳۵)، *قابوس نامه*، با تصحیح و مقدمه و حواشی دکترعبدالمجید بدوی، تهران: انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا، چ۱، ص۲۰۱؛ مبارکشاه، همان، صص۲۹۰-۲۹۱ -۲۹۴.

۲ همان، ص۲۹۲.

۳ مبارکشاه، همان، ص۳۰۴.

۴ مبارکشاه، همان، صص۳۰۴-۳۰۶.

اما اگر شبیخون[۱] از سوی دشمن بود، در این صورت باید نیروهـای خـودی، بـه قـسمت‌هـا و گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شد، و در لشکرگاه، برای حفظ نیروها، اقداماتی انجام می‌شـد: «هـیچ روشنایی ندارند تا ایشان را نبینند و آتش جائی دیگر کندکه آنجا هیچکس نباشد، تا بـه روشـنایی آنجا شوند و شما ایشان را درروشنایی ببینید و ایشان شما را نبینند، آن وقت گرد ایـشان درآینـد و ایشان را درمیان گیرند و مقصود حاصل کنند....و بهتر آن بود که در گرد لشکرگاه زنجیر کشند و یا خندق کنند».[۲] ملاحظه می‌شود که در این جا به نوعی استتار، اختفا و فریب اشـاره شـده اسـت. مخفی کردن خود از دید دشمن، به نوعی که توانایی دید نداشته باشد، و درادامه روشن کردن آتش درجایی دیگر، موجب فریب دشمن می‌شد، بدین ترتیب امکان واردآوردن ضربه بر دشمن بوجود می‌آمد. این اقدام، نمونهٔ کاملی از اِعمال فریب می‌باشد که درگذشته صورت می‌گرفت.

نمونهٔ استتار و پوشش در تاریخ ایران، اقدامات اهل قزوین برای مقابله با اسماعیلیه بود. قزوینی-ها همواره درترس از اسماعیلیه، با فرارسیدن شب آن چه از اسباب، قمـاش و وسـایل زنـدگی را درخانه خود داشتند در سرداب‌هایی که درخانه‌هایشان وجود داشت و هیچ‌کس هم بدان راه نمی برد پنهان می‌نمودند و این کار همه روز آن‌ها بود که روز وسایل را از سرداب بیـرون درآورده و شب هنگام درآن قرار می‌دادند و این تا برافتادن اسماعیلیه به دست هلاکو ادامه داشت.[۳]

نتیجه‌گیری

از گذشته‌های دور تا به امروز، انسان همواره برای حفاظت ازخود کوشا بوده و این تلاش درقالب همکاری با دیگران بوده است، بنابراین دفاع نه یک امرفردی، بلکه امری اجتمـاعی مـی‌باشـد. آن چیزی که حتماً باید مورد توجه قرارگیرد توجه به این مسئله است که روش‌های دفاع غیرعامـل دراعصار مختلف با توجه به امکانات و استعدادهای موجود و به اقتضای زمان، مورد توجه بـوده

---

۱ شبیخون زدن به دشمن، اقدام مهمی دیگر درجهت فریب یا غافلگیر نمودن دشمن بود. آن چیزی که شـبیخون، بـرای فریب دشمن و نیز موفقیت هرچه بیشتر دراین امر«... بهتر آن بود بشبیخون اندر که آواز درافکنند که فلان را بکشتند و فلان را بگرفتند.... و گفته‌اند که به حربگاه دروغ گفتن روا باشد تاخصم از آن مقهورگردد...». با این اقدام، درکار دشـمن از حقیقت بی‌خبر، سستی پیش آمده و آن‌ها را وادار به فرار خواهد نمـود(مبارکـشاه، همـان، صـص۲۹۸- ۲۹۹). ایـن نمونه‌ای از جنگ روانی علیه دشمن بود تا موجب تخریب روحیهٔ نیروهای دشمن و تحمیل هزینه‌های زیاد به او گردد. و همواره مورد استفاده بوده است.

۲ مبارکشاه، همان، صص ۲۹۹-۳۰۰.

۳ ابن‌طقطقی، همان، ص۳۷.

است. بسیاری از اقدامات دفاعی که در زمانهٔ خود بسیارمفید و دارای کـارکرد مثبـت بـوده انـد، باگذر زمان و تغییر سلاح‌های تهاجمی، اهمیت خود را از دست داده و جای خود را به روش‌های دفاعی جدیدتر داده‌اند. دفاع غیرعامل به معنای دفـاع دربرابـر تهـاجم بـدون اسـتفاده از سـلاح و درگیرشدن مستقیم، سابقه‌ای طولانی درتاریخ بشری دارد. با اقدامات دفاع غیرعامل کـه بـه نـوعی جنبهٔ پیش‌گیرانه دارد، می‌توان دربرابر انواع حملات دشمن به مقاومت دست زد. اصولاً هدف از به کارگیری اقدامات دفاع غیرعامل، علاوه بر آماده سـازی، پـیش‌گیـری، پـیش‌بینـی، محافظـت وحمایت از مردم دربرابر بلایای طبیعی و انسان ساخت مانند جنگ؛ تحمیل هزینه‌هـای زیـاد و ایجاد موانع در راه پیشروی دشمن بوده است. دفاع غیرعامل دارای مؤلفه‌های متعددی است، مهـم‌ترین آن‌ها که در دورهٔ گذشته مورد توجه بوده‌اند عبارتند از: مکان‌یـابی واسـتحکامات، فریـب، استتار، اختفاء و پوشش. از این میان، در دورهٔ گذشته مکان‌یابی، استحکامات و فریب بیشتر مـورد توجه بوده است. مکان‌یابی به ویژه در جای‌گیری صحیح احداث شهرها و نیز استقرار لشکرها در محل مناسب مورد توجه بود. استحکامات به ویژه درساختار شهری و عناصر سه گانـه کهـن دژ، شارستان و ربض و عناصر دفاعی آن مانند بارو و برج و دروازه متبلور بود. فریب، جایگـاه خـاص خود را داشته و دارد، و همواره تلاش می‌شده است که با حیله و فریب بر دشمن برتری یابند و در نوشته‌های بزرگان به ویژه حضرت محمد(ص) و امام علی(ع) این امر توصیه شده است. فریـب‌هـای نظامی بیشتر در صحنه‌های نبرد و از سوی فرماندهان به کار گرفته مـی شـد. همچنـین اسـتتار و اختفاء، اصول دیگری بودند که مورد توجه قرار داشتند.

منابع و مآخذ

- ابن‌حوقل(۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن‌حوقل(ایران در صورة الارض)*، ترجمهٔ و توضیح دکتر جعفر شعار، تهـران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن(۱۳۶۶)، *مقدمهٔ ابن‌خلدون*، ترجمهٔ محمد پـروین گنابـادی،۲ج، تهـران: شـرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ۶.
- ابن‌طقطقی، محمدبن‌علی‌بن‌طباطبا(۱۳۶۷)، *تاریخ فخری(در آداب مُلکداری و دولت های اسلامی)*، ترجمهٔ محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چ۳.
- ابن‌فقیه، ابوبکراحمدبن‌محمدبن‌اسحاق‌همدانی(۱۳۴۹)، *ترجمهٔ مختصر البلدان(بخـش مربـوط بـه ایـران)*، ترجمهٔ ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- ابن‌قتیبةالدینوری، ابی‌محمدعبدالله‌بن‌مسلم(۱۹۵۵)، *عیون الاخبار(کتاب الحرب)*، الجزء الثانی، بیروت: دارالفکر – مکتبة الحیاة.
- ادوارد، م.ارل[بی‌تا]، *تاریخ فن جنگ*، ترجمهٔ سرتیپ محمد علی پیروزان، ج۱، تهران: کتابفروشی و چاپخانهٔ محمدعلی علمی.
- اسفزاری، معین‌الدین محمدالزمجی(۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات*، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، ج۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسفندیاری، احمد، ابوالفضل زرنگاریان و حامد حقی(۱۳۸۹)، *نقش محوری جمعیت هلال احمر در پدافند غیرعامل*، تهران: سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم(۱۳۴۷)، *المسالک و الممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصغریان جدی، احمد(۱۳۷۴)،«*دفاع غیرعامل در ارگ بم*»، *صفه*(نشریهٔ علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی)، س۵، ش ۱۹و۲۰.
- عنصرالمعالی کیکاوس‌بن‌اسکندربن‌قابوس‌بن‌وشمگیربن‌زیار(۱۳۳۵)، *قابوس نامه*، با تصحیح و مقدمه و حواشی دکتر عبدالمجید بدوی،[تهران]: انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا، چ۱
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین‌محمدبن‌ابی‌طالب(۱۳۵۷)، *نُخبة الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمهٔ سید- حمید طبیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- آیتی، عبدالمحمد(۱۳۴۶)، *تحریر تاریخ وصاف*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- برت اشنایدر، امیلی واسیلیویچ(۱۳۸۱)، *ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه*، جستارهای تاریخی و جغرافیایی، ترجمهٔ هاشم رجب زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- بلعمی، ابوعلی(۱۳۷۸)، *تاریخنامهٔ طبری*، محقق و مصحح محمد روشن، ج۳، تهران: انتشارات سروش، چ۲.
- پاکزاد، جهانشاه(۱۳۸۵)، *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*، تهران: انتشارات شهیدی.
- [مجهول المؤلف]، *تاریخ سیستان*تألیف حدود ۴۴۵-۷۲۵هـق(۱۳۱۴)، به تصحیح ملک الشعراء بهار، به همت محمود رمضانی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- جاحظ، ابوعثمان‌عمروبن‌بحر(۱۳۸۶)، *تاج(آئین کشورداری در ایران و اسلام)*، یافته احمد زکی پاشا، ترجمهٔ حبیب‌الله نوبخت، تهران: آشیانهٔ کتاب.
- موحدی‌نیا، جعفر(۱۳۸۹)، *اصول و مبانی پدافند غیرعامل*، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- داعی‌نژاد، فرامرز(۱۳۸۵)، *اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه‌های مسکونی به منظور پدافند غیرعامل*، مشاوران بهناز امین زاده، سید بهشید حسینی، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- دینوری، ابوحنیفه(۱۳۸۳)، *الأخبارالطوال*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چ۴.
- دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۵۱)، *لغت نامهٔ دهخدا*، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، ج۴، تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا.
- سلطان‌زاده، حسین(۱۳۶۵)، *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی.

- سون جو(۱۳۸۷)، *هنر رزم*، ترجمهٔ نادر سعیدی، تهران: انتشارات کاروان.
- طبری، محمدبن‌جریر(۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، ج ۳و۶ ، تهران: اساطیر.
- طوسی، ابوعلی‌حسن(خواجه نظام الملک)(۱۳۴۷)، *سیرالملوک: سیاست‌نامه*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- طوسی، خواجه نصیرالدین(۱۳۶۹)، *اخلاق ناصری*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- عباس‌پور نیسیانی، جمشید و حسین عبدی(۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر اصول و مبانی اساسی پدافند غیرعامل*، تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء- معاونت پدافند غیرعامل.
- عمید، حسن(۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: راه رشد.
- فردرو، محسن(۱۳۸۸)، *دفاع غیرعامل از دیدگاه انسان شناسی فرهنگی*، تهران: نشر رمز.
- قزوینی، زکریابن‌محمدبن‌محمود(۱۳۶۶)، *آثارالبلاد و اخبارالعِباد*، ترجمهٔ عبدالرحمن شرفکندی(هژار)، تهران: مؤسسهٔ علمی اندیشه جوان.
- ـــــ(۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه و اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گردیزی، ابی‌سعیدعبدالحی‌بن‌الضحاک‌بن‌محمود(۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- ماوردی، ابی‌الحسن‌علی‌بن‌محمدبن‌حبیب‌البصری(۱۴۲۲هق/۲۰۰۲م)، الأحکام السلطانیة، بیروت: دارالفکر.
- مبارکشاه، محمدبن‌منصوربن‌سعید: معروف به فخرمدبر(۱۳۴۶)، *آداب الحرب و الشجاعة*، تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال.
- مجیدزاده، یوسف(۱۳۶۸)، *آغاز شهرنشینی در ایران*، تهران: مرکزنشردانشگاهی.
- مرزبان‌بن‌رستم‌بن‌شروین(سدهٔ۴) و اصلاح کاتب سعدالدین وراوینی(سدهٔ ۷)(۱۳۱۷هـش)، *مرزبان نامه*، به تصحیح و تحشیهٔ محمدبن‌عبدالوهاب قزوینی، تهران: ناشر کتابخانهٔ طهران.
- مستوفی، حمدالله(۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانهٔ طهوری.
- مقدسی، أبوعبدالله‌محمدبن‌أحمد(۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمهٔ علینقی منزوی،۲ ج، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان .
- نرشخی، ابی‌بکرمحمدبن‌جعفر(۱۳۶۳)، *تاریخ بخارا*، ترجمهٔ ابونصر احمدبن‌محمدبن‌نصرالقباوی، تلخیص محمدبن‌زفربن‌عمر، تصحیح و تحشیهٔ مدرّس رضوی، تهران: انتشارات توس.
- هروی، علی‌بن‌ابوبکر(۱۳۸۵)، *«رسالة التذکرة الهرویة فی فنون الحربیة»*، ترجمهٔ اصغر قایدان، *نشریهٔ تاریخ(تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم)*، ش ۲۵.
- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب(۱۳۴۳، ۱۳۴۷)، *البلدان*، ترجمهٔ محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.